

آزمون حضوری  
شماره شش



پایه دوازدهم  
رشته انسانی

## مرورنامه آزمون آزمایشی خلی سبز

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
فلسفه	فلسفه ۱ درس ۵ و ۶ - صفحه ۳۶ تا ۴۹ فلسفه ۲ درس ۳ و ۴ - صفحه ۱۳ تا ۲۸	۲	۷	مجید پیرحسینلو	مهدی بادامه مه



## فلسفه یازدهم، درس ۵: زندگی براساس اندیشه

- سوفیست‌ها (۱) عدم توانایی ما بر شناخت جهان  
(۲) عدم تطابق علم با واقعیت (صرفاً ساخته ذهن)  
(۳) روش: مغالطه و جدل و فن سخنوری
- تأثیرپذیری جامعه آتن زمان سقراط از سوفسطائیان

نتایج اندیشه‌های سوفسطائیان:

- ۱) کم‌رنگ‌شدن اخلاق و فضیلت میان مردم
- ۲) گرایش مردم به حق جلوه‌دادن باطل
- ۳) فاصله‌گرفتن جامعه آتن از حقیقت و فضیلت
- ۴) کم‌رنگ‌شدن حق‌طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه

- سقراط
- ۱) چهره برجسته تاریخ فلسفه
  - ۲) استوارکننده شالوده تفکر فلسفی اصیل
  - ۳) بدون کتاب / سراسر زندگی با فلسفه
  - ۴) زندگی سقراط حکایت واقعی فلسفه
  - ۵) نقل حکایت او توسط افلاطون
  - ۶) صرف عمر در اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه‌آمیز سوفیست‌ها
  - ۷) آموختن سؤال کردن در مورد هر چیزی
  - ۸) به رخ کشیدن جهالت افراد قدرتمند و سفسطه‌گر

### دلیل قیام سقراط علیه سوفسطائیان

احیای تفکر عقلانی      استواری فضیلت

روش بحث سقراط → روش گفت‌وگو، پرسش و پاسخ مشهور به «روش سقراطی»

- هدف سقراط از گشت‌وگذار در شهر (۱) متقاعد ساختن انسان‌ها به عدم ترجیح جسم، مال و ثروت را بر کمال نفس خود  
(۲) یادآوری عدم کسب فضیلت از ثروت (کسب ثروت و ... از فضیلت)

رسالت سقراط از زبان خودش (رسالت از طرف خدا به وسیله ندهای غیبی و در رؤیاها)

- ۱) بازنایستادن از بیدار ساختن، پنددادن و سرزنش کردن مردم
- ۲) عدم سخن گفتن و یا سکوت به خاطر پول
- ۳) همنشینی با تهیدستان و هم‌چنین با توانگران به منظور پرسش از او و شنیدن سخنانش

### – سقراط در برابر دادگاه –

اتهامات سقراط	(۱) فاسد کردن جوانان (۲) بی‌ایمانی به خدایان
نماینده متهم‌کنندگان	ملتوس
مجازات تقاضاشده	مرگ
حالت سقراط در دادگاه	چهره آرام، گام‌های استوار، لحن مطمئن
دفاعیه سقراط	بیانیه‌ای فلسفی حاوی همه اصول زندگی وی
سقراط: اتهام من (اقترای دیرینه)	(۱) اتهام رفتار خلاف دین به من (۲) تلاش برای پی‌بردن به اسرار آسمان و زمین (۳) حق را باطل جلوه کردن و آموختن به دیگران



منشأ اتهام از نظر سقراط	جست‌وجوی او برای شناخت مدعیان دانش و جداکردنشان از دانشمندان حقیقی ← به غلط دانا نامیده‌شدن خودش / دانای حقیقی فقط خداست.
الهام سروش معبد دلفی	داناترین مردم، سقراط است.
راز سروش معبد دلفی	داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند هیچ نمی‌داند. (نشان دادن اوج نادانی انسان‌ها)
دفاع سقراط در برابر اتهام انکار خدایان	عدم امکان اعتقاد به علم، قدرت و عدالت فوق بشری در عین انکار وجود خدا (اثبات خدا از طریق صفات و آثارش)

### نکته

مطالب سقراط در عدم ترس از مرگ را در کتاب بخوانید. به طور کلی متن درس، بسیار پر نکته است.

نظر سیسرون (فیلسوف و خطیب رومی) پیرامون کار سقراط (۱) آوردن فلسفه از آسمان به زمین و شهرها و خانه‌ها (۲) و داشتن فلسفه برای پرداختن به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر

## درس ۶: امکان شناخت

### – توانایی شناخت؛ یکی از ویژگی‌های انسان –

نشانه‌های توانایی شناخت در انسان	سخن گفتن با دیگری، رفتن به سمت چیزی، دورشدن از آن و ...
حیطه شناخت انسان	خود و جهان پیرامون خود
نحوه افزایش شناخت	تدریجی و گام‌به‌گام / با عمل آموختن و یادگیری
محدوده شناخت	غیرمطلق و محدود / ناآگاهی از بسیاری از حقایق
اعتبار شناخت	گاهی نادرست و توأم با اختلاف با دیگران
معرفت‌شناسی (نظریه معرفت)	بخشی از فلسفه، مرتبط با پدیده شناخت و موظف به پاسخ به پرسش‌های پیرامون شناخت (مانند: شناخت چیست؟ آیا شناخت ممکن است؟ و ...) → رشد شاخه معرفت‌شناسی (همیشه جزئی از فلسفه) در گذشته: در ضمن مباحث فلسفی امروزه: به صورت شاخه‌ای مستقل به علت: (۱) طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت (۲) ظهور دیدگاه‌های گوناگون
معنا و مفهوم معرفت و شناخت (چیستی معرفت)	روشن و بی‌نیاز از تعریف / ابهام صرفاً در لغت (امکان ارائه تعریف لغوی)
امکان معرفت	بدیهی، روشن و بدون نیاز به تحقیق و دلیل (انجام امور روزانه → امکان شناخت)
انکار امکان معرفت	گاهی در گذشته و زمان حاضر توسط برخی افراد

مغالطه‌های سوفیست‌ها ← رأی به ناتوانی انسان در رسیدن به حقیقت و علم مطابق با واقع

نظر گرگیاس (سوفیست)	اولاً: چیزی وجود ندارد. ثانیاً: اگر وجود داشته باشد، قابل شناخت نیست و انسان ابزار آن را ندارد. ثالثاً: در صورت قابل شناخت‌بودن، انسان ناتوان از انتقال شناخت خود به دیگران است.
نظر مخالف (نظر کتاب درسی)	شک در برخی از دانسته‌ها غیر از شک در اصل شناخت شکاکیت مطلق: شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها → تناقض آلودبودن شکاکیت مطلق



دلیل بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت؛ پیشرفت پیوسته دانش بشر  
 باور طبیعی بشر به امکان شناخت خود و پدیده‌های دیگر + عدم برداشت ناتوانی از معرفت به دلیل اشتباهات خود → تلاش او برای دست‌یافتن به دانش‌های مختلف → پیشرفت دانش بشر (اثبات توانایی بشر بر شناخت)

#### دو شکل پیشرفت دانش بشر

از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش  
 از طریق پی‌بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آن‌ها

### ♦♦ درس ۳: «جهان علی و معلولی» ♦♦

علیت	
چگونگی رابطه علت و معلول	یکی از کهن‌ترین و شاید نخستین مسئله‌ای که فکر بشر را به خود مشغول ساخته
علت	چیزی که به چیز دیگر وجود می‌دهد و آن چیز را به وجود می‌آورد؛ یعنی تا علت نباشد آن چیز پدید نمی‌آید.
معلول	چیزی که وجودش را از چیز دیگر که همان علت است، می‌گیرد (در وجود نیازمند به علت است).
رابطه علّیت	رابطه وجودبخشی بین علت و معلول / رابطه‌ای وجودی: وجوددادن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) = وابستگی ضروری وجود یک چیز (معلول) به وجود دیگری (علت) رابطه علّیت $\neq$ رابطه دوستی: در آن ابتدا دو طرف دارند و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار می‌شود.



– منشأ درک و پذیرش رابطه علّیت –

– دیدگاه فیلسوفان اروپایی –

**دکارت:**

بدون دخالت تجربه: قبول علّیت مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی ← درک اصل علّیت بی نیاز از تجربه و آموزش  
جزء اصول اولیه‌ای است که انسان از آن درک فطری دارد: هر انسانی با درکی از علّیت متولد می‌شود.  
یافتن مصداق‌های علّت و معلول: نیازمند تجربه و آموزش

**تجربه‌گرایان:**

علم انسان (از طریق حس) به توالی پدیده‌ها  
این توالی پدیده‌ها = رابطه علّیت: (انسان از طریق حس به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطه علّیت را بنا می‌کند).  
مثال: با آمدن خورشید → روشن شدن زمین  
با رفتن خورشید → تاریک شدن زمین  
← پیداکردن یک رابطه ضروری بین طلوع خورشید و روشن شدن زمین: علّیت

**دیوید هیوم**

- مانند تجربه‌گرایان: حس و تجربه، تنها راه شناخت
- حسی نبودن رابطه ضروری میان علّت و معلول: نیاز به یک راه تجربی دیگر.
- چشم تنها اجسام و رنگ‌ها و شکل‌ها را می‌بیند (سایر حواس هم خصوصیات مشابه را) / وجودبخشی و ضرورت بخشی با حواس پنج‌گانه درک نمی‌شود.
- تکرار مشاهده ← تداعی در ذهن (امر روانی) ← چیزی علّت چیز دیگر است. (رابطه علّیت)

**دیدگاه فلاسفه مسلمان**

- اصل علّیت: قاعده‌ای عقلی
- از تجربه به دست نمی‌آید / خودش پایه و اساس هر تجربه
- فطری و مادرزادی نیست.
- شکل‌گیری ذهن ← درک اصل امتناع اجتماع نقیضین ← درک علّیت

– اصل سنخیت علّت و معلول –

هر معلولی از هر علّتی پدید نمی‌آید / هر معلولی از علّت خاصی صادر می‌شود.  
عمل همه انسان‌ها بر طبق این اصل / مانند اصل علّیت، یک اصل عقلی  
**نتایج اصل سنخیت:** انتظار آثار خاص هر چیز از آن / کوشش برای شناخت ویژگی‌های هر چیز / کوشش برای شناخت تفاوت‌های اشیا

– با قبول اصل سنخیت می‌توانیم –

- برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شویم.
  - دانشمندان طبق این اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می‌کنند.
- دانشمندان طبق این اصل برای یافتن علّت یک پدیده، سراغ عواملی می‌روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد.



## – اصل وجوب علی و معلولی –

علت به معلول ضرورت وجود می‌دهد (یعنی تا معلول به مرحله وجوب و ضرورت نرسد، موجود نمی‌شود). معلول با قطع نظر از علت دارای امکان ذاتی است: یعنی ذاتش نسبت به وجود و عدم حالت تساوی دارد، هم می‌تواند باشد و هم می‌تواند نباشد. پس علت به معلول خود ضرورت وجود می‌دهد و معلول را موجود می‌کند؛ به این ضرورت‌بخشی، اصل وجوب علی و معلولی گفته می‌شود.

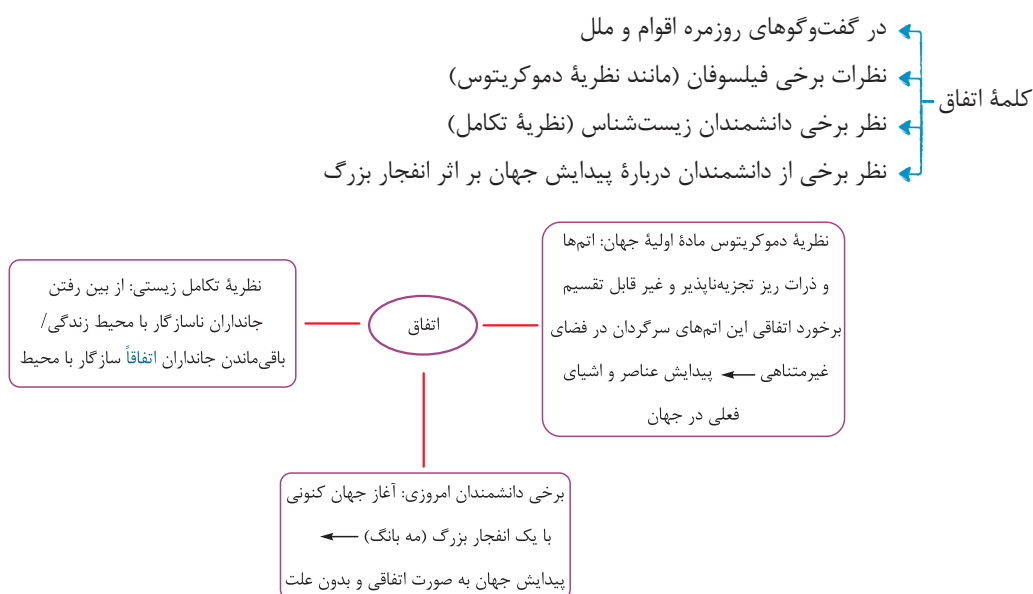
## – آثار و نتایج اصول مربوط به علت –

**اصل علت:** زمینه‌ساز نگاه ویژه به جهان، پی‌بردن به ارتباط و پیوستگی اجزای جهان به یافتن عامل پیدایش هر پدیده

**اصل وجوب:** تخلف‌ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

**اصل سنخیت:** نظام معین هستی، می‌فهماند که هر چیزی نمی‌تواند منشأ هر چیزی باشد.

## ♦♦ فلسفه دوازدهم، درس ۴: «کدام تصویر از جهان؟» ♦♦



## – یکی از اقدامات مهم فیلسوفان –

- ☑ دقت
  - ☑ نقد و تصحیح
  - ☑ تعمیق
- ← مفاهیم عامیانه

مهم‌ترین کتاب فلسفی ابن سینا: الهیات شفا ← بحث پیرامون اتفاق، شانس و تلاش در جهت تصحیح نظر مردم





### – معانی اتفاق –

معنای اول اتفاق	نفی اصل علیت / نفی ضرورت علی و معلولی (معنای اول معمولاً در میان مردم شناخته شده و مورد پذیرش است).
فیلسوفان مخالف معنای اول اتفاق	تقریباً همه فیلسوفان (البته به طور صریح در مورد هیوم او رابطه ضروری میان علت و معلول را با تجربه قابل دریافت نمی‌داند و البته جز راه تجربی را هم قبول ندارد، پس احتمالاً می‌توان گفت به نحو غیرصریح قبول دارد).
علت باور مردم به معنای اول اتفاق	آگاه نبودن از تمام اجزای یک علت
علت ناقصه	در مواردی که معلول، از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید، هر یک از عوامل «علت ناقصه» است.
علت تامه	در مواردی که معلول: (۱) از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید، مجموعه عوامل «علت تامه» است. (۲) از تنها یک عامل پدید می‌آید، آن یک عامل «علت تامه» است. (خارج از کتاب درسی)
معنای دوم اتفاق	نفی سنخیت علت و معلول
فیلسوفان مخالف معنای دوم اتفاق	فلاسفهای مانند ابن سینا، علامه طباطبائی و برخی فلاسفه اروپایی
نتایج انکار سنخیت	انجام ندادن هیچ کاری عدم توانایی بر تبیین نظم جهان بی‌اعتباری همه علوم و بی‌اعتنایی به آن‌ها تناقض با یک هستی نظام‌مند و قانون‌مند
معنای سوم اتفاق	نبود هدف و غایت در حرکات و نظم جهان (انکار هدفمندی / غایت‌مندی جهان و نفی علت نخستین و آفریننده)
نتیجه پذیرفتن این معنا	نفی «علت نخستین» و «آفریننده»
معنای غایت‌مندبودن جهان	مجموعه حوادثی که در جهان رخ می‌دهد برای رسیدن به هدف و غایت معین و از پیش تعیین شده است.
نتیجه قبول غایت‌مندی جهان	قبول علت نخستین و علت‌العلل (قبول آفریننده)
دیدگاه فیلسوفان نسبت به معنای سوم اتفاق	(۱) مخالفان معنای سوم / اثبات‌کنندگان علت نخستین و آفریننده (قبول خدا و غایت) (۲) موافقان معنای سوم / نامعتقد به علت نخستین و آفریننده (نفی خدا و غایت) (۳) مخالفان معنای سوم / نامعتقد به علت نخستین و آفریننده (نفی خدا - قبول غایت)
نقد نظر دسته سوم	قبول غایت و هدف ← مشخص بودن غایت قبل از پیدایش اشیا + ساخته شدن اشیا متناسب با آن غایت و هدف ← قبول خدا
معنای چهارم اتفاق	رخ دادن حادثه پیش‌بینی نشده
	عدم مخالفت با علیت و لوازم آن / کاربرد درست / ناشی از علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی